

افوض الى الله ما بين يدينا



س  
۱۱  
۶۹۷







داده دفتر کتب کتابخانه قلمی  
 شماره ۲۵۶۳۲۴  
 تقدیم شود  
 به کنگره

راهنمایان است

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تبارك وتعالى في محكم كتابه الكريم كنتم خير امة اخرجت

للعالمين تامرون بالمعروف ونهون عن المنكر

تؤمنون بالله يعني مستبدين ائمة و خیرت این است

عده است که در کتب خدمت حضرت معتمد است



چون خدا پیغمبر را رحمت خواست افضل پیغمبران است

کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



یست  
و خیریت این است درین سه صفت است که میفرماید معروف دیگر

که شرع آنرا استحقاق دارد و نهی میکند از سکر و آن چیزی بود که شایع

آنرا استحقاق ندارد و میگوید از روی تحقیق بخدا و ایمان بجهت مقتضی

است که ایمان داشته باشند بهر چه ایمان بدان لازم است

و ایمان بخدا و حق تحقیق شود که بهر چه مندرج است که ایمان بدان

آورد و باشند

نظر مضمون آیه وافی به این خبر مرا با تقصیر مطالبی راجع بقدر است

عمران باب مادر شاه انشاء رضا ان الله علیه در موقع ساختن اخلاص

فنا بین فرادوسلین در دما ریح فارس نامه ماضی که

در عصر مروج ماضی الدین شاه در مسردان طبع رسیده است





ملاحظه نموده و حسب وظیفه خداشناسی و اسلامیست در ضمن این کتاب

مختصری بر ادنیجات مقت باطلاع عموم برادران دینی و اسلامی برساند

که تا مسبق شوند آن یگانه سلطان با اقتدار خدا پرست برای تقی

و تعالی بامت ایران در رفع مناقشات از میان فرق اسلامی

چگونه مجاهدت فرموده است پس از مطالعه و وقت نظر در مباحث

آن البسته عموم برادران اسلامی تصدیق خواهند فرمود که هرگاه

مقاصد شروع آن یگانه بزرگ دانشمند گامای موع احسن اندازده

شد داین اختلافات کله از میان امت حضرت فاطمه الانبیاء

که عموماً دارای یک پنجه و یک کتاب مستقیم برداشته شده بود اند

بعد از اینکه اختلافات کله از میان این امت رتفع بود اختلافات





کلمه بجای از این افراد بشمار داشته شد بود و تمام اسرار و بشرا<sup>ن</sup> مکنون

نسبت بیکدیگر طریقه محبت و لگائی را پیش خود ساخته و مطابق باین

عقلیه و اراده الهیه با نهایت خرمی و خوشی برادرانه در تحت کلمه

واحده آسوده و راحت زندگانی می نمودند و اسرار و نوع خود

را مانند پدر و مادر و فرزندان عزیز خود میدانستند و در انحصار

بهی است که دنیا گلستان شده بود

(صفحه ۱۷۹)

تا در فرمود ما را ابراهیم ساج و هوای شای نیست این سخنان را او فرمود

دارید که منافی رضای است و تا یکماه این گفتگو در میان بود پس

نواب نادر دایب السلطنه سر رضا را حاضریه خواند و چنین گفت که





از زمان رحلت حضرت رسالت پایی چهار غلطی پس از یکدیگر متکثر شد  
 شدند و مردم و ایران و ترکستان بخلاف آن تامل کشیدند  
 و شاه اسمعیل بر صلاح و دلت خود این مذهب را گذاشت و طریقه  
 شیعه اش را مشهور ساخت و علاوه بر سبب اصحاب را که  
 فعلی است پیروی و مانع فساد است در زبان جاری شد و خاک  
 ایران را بپوشاند و فساد نهی آمیخت و ما را ام که این فعل مذموم  
 در میان است فتنه و فتنه برقرار است .  
 اگر تمامی اهل ایران سلطنت را غلبه آسایش خود را طالب  
 باشند باید این فتنه را که مخالف مذهب اسلاف است گذاشته  
 طریقه اهل سنت را اصول دارند و چون حضرت امام خضر صمدی





دین بیدوب انحضرت ایشنا گشته اند باید حضرت صادق را سر ذنب  
خود دانسته مقلد اجتهاد انحضرت باشند پس نامت صد هزار نفر  
که در صحرای سغان حاضر بودند این حکم را مرضی داشته از عان نمود  
پس وثیقه نامه برای استمرا از این مطلب نگاشته بهر پاک اعتقادی علماء  
و اعیان مختوم مباحثه بخواند عامه سپردند پس ذواب بایب السلطنه  
(نامه شاه) فرستادند چون پادشاه کبیران جاه قیصر مردم خادم حرمین  
شریفین است این عهد که از جانب شما بمل آمده موجب رضای و غرور

بود و نامسم در شرط صحابه با آن پادشاه



پنج مطلب را مقرر میداریم





اول آنکه چون اهل ایران از طریق حضرت سید سلاطین صمدیه گذشتند

و طریق اهل سنت را بتقدیرت امام جعفر صادق قبول کردند

تصاه و علمای روم تصدیق بر حق آن کرده از احسان مذهب اربعه

و تعظیم چون ارکان اربعه کعبه معظمه متعلق بائمه اربعه چهار مذهب اهل سنت است

باید امام مذهب جعفری در یک رکن با آنها شریک بود تا این جعفری

نماز کنند

سیم آنکه در ساله از جانب دولت ایران میر حاج حسن گشته حاج

ایران را مانند میر حاج مصدق ششم با عزت تمام مقصد رساند

چهارم آنکه کفران هر دو دولت مطلق الفانج آزاد بوده هر دو



آنها را روانه دارند



چشم آنکه دیکلی از جانب هر دو دولت در پای تخت کیده میگردانند

هر دو مملکت را بر وفق مصلحت بگذرانند

پس نامت صد ساله از نغز اعیان ایران که در صحرای نمان خنجر

بوده شکر گدازی نموده بادی دولت پیر و دل پر دانه

( صفحه ۱۹۰ )

ماه ذی القعدة بود لطیف آفتاب و مشیت آفتاب از دولت عالی

روم بفارغ نامور گشته دارد در گاه معنی شده نامه پادشاه و شاه

ممالک روم را که سده است نامه بود از انکار علمای که معجزه دیدند

لطیف و ممالک روم بر قصدین مذمب جنوری و تقوین رکنی

از ارکان کعب رسانیده و حضرت شاهین در جوابان



کتوب مرآت داشت که پیش از آنکه در میان این پادشاهان

ترکان قضاصلی بعضی از ممالک را هم دیده گریستان داخل

حوزه انکسیت بود و بعد از آنکه با قصای تقدیر سلطنت ایران

صفویه نشان یافت و عهد آسایش و توابع آن در تصرف

از یک دکان و توابع آن تصرف شد و عرق عرب و یارگر

بعضی از آذربایجان در تصرف دولت دوم درآمد است چنانکه

ستون توابع آن همچون است و عهد صفوی هم که میان خانان

مستور است و در عهد اصفهانی پادشاه سلیمان که قزاقان

و در میان که بنامه از دی به در گشت سلطنت ایران به سران

معه و ضمیر و ششم که آتشاه احوالی ملک موردی که در



سند پیرایه خط و کتابت اشباع و استر و دستور سوای ملک مستحق

دولت روم که اولاً آنحضرت را بقدر لطیف امور است خسته نمیدید

و سیم بر کاه صورت حصول یابد فو مطلوب و یون غرض اصلی نظم هر

المیت است البته در آن دو مضائقه نخواهد بود و ممکن نیست

قیامین عبدالی نخواهد داشت و مرگ او مقرون قبول نکرد کنون آل را

نخاسته لونه اعدان سازیم و در عالم دوستی و برادری تو جمع داریم

که امروزه چون متضمن اصلین حال مسلمانان است و آنحضرت نیز فرموده

اسلام بودند بر وجه اتم و اکمل فسیل یابد و آن خطیب در عهد و تقریب

و چون میان دور و نزدیک حرفی نشد ایم طلب حرف خیر دارم



روم میباشیم و امید داریم که ان شاء الله تعالی بعد از ورود



باین سرزمین در عالم همان نوازی از طرفت قرین الترفات آن دولت

عنه امور محمود و درج نکرد پس افتد بآن رومی را نخست انصرف

فرموده و آن مقصد شدند و سرخس و کسری ای معانی بخو که سابقا نگاشته

شد شاعت سب در قفس را تا مر نشان مالی ایران کرده ای شام

طعا او که احسبید از آن کالاشند و در این اوقات برای نبرد

تا که تجدید حکم ترکند و فرمان تجدید خطاب بکلی مالی ایران زنده

در بند ای قشای کامل و پیشا و در این مضمون جدا در کرد

صد و رستمان برای مالی ایران در منع از نشت

در قفس حلقای را شدین

بیکر بیکان عظام و حنکام کرام و سادات عالمیت و علمای دین



مکتوبی که در این تاریخ به دست رسید از طرف حاکم آنجا

که در این تاریخ در مسقط و قاطب و طایفه طایفه که در آنجا

قرار داشتند و دولت آنجا در آن تاریخ در آنجا

از طرف حاکم آنجا در آنجا

که در این تاریخ در مسقط و قاطب و طایفه طایفه که در آنجا

قرار داشتند و دولت آنجا در آن تاریخ در آنجا

از طرف حاکم آنجا در آنجا

که در این تاریخ در مسقط و قاطب و طایفه طایفه که در آنجا

قرار داشتند و دولت آنجا در آن تاریخ در آنجا

از طرف حاکم آنجا در آنجا



خداوند بفرموده ای می جانان را به کرم - چه عبادت

و نه است از باب بر ائمت - شادان کی گریه و غم و اندوه

امر متعسر یک عتایه فاسد و نمود و بر آید بسیار در کرب و اوج

سپید شمشک گردید و حضرت عیون را در ایامی سر به دریا

بجوش نیست از سر آمدن زلفت داده و نمود و یک عمر زحمه

معه و در باغین شمشک بخت فراق با لیرین استخوان بقرین

خادم بکرین شیرینشانی اسکندر با لیرین با دشت اسلام

و الا احمشام اغنی بهن ان جملک روم و نظام و آن مستحب

بروزن با سون پیرایه خسته تمام سنا بکرم - چه عبادت

اگر تو سبب غم و غم است - چه عبادت در سبب غم و غم



ایست غیر درمی آید بود و عجب بد نزدیکه از برای وطن

خاطرهای بی از غلامه العباسی تو علی اکبر قاشی دماقی علمای کرام

که در کباب خنجر آفتاب تا نجر بودند در مجالس و خلوات

استعلام فرمودیم همان مراتب سابق را معروض داشته و به

حجت حجاب شبیه از پیشگاه ضمیر آینه مسرتفع گردید و بکده یقین

پیوست که کلمی است و در دفترهای اغراض نفسانی شاه اسبیس

صفوی بوده و الا در حدیث اسلام نمانست مسالین بیک طریقه تمام

و راجع بوده اند اگر چه اختلاف در ذریع دین داشته اند

بنای عظیمه اتیامید ربانی و الهام کسی فی کلمه شریفه قدس

اعلی از موقف غر و علای شریفه و ریاضت که بخاک در مبادی است



تمامت مسلمین فتاوی در بعد راسته من را خلیفه علی الترتیب میرساند

و بهر وجه اختلافی در بین نبوده است باید کلی الی ممالک مورد سه همان

دستور هر یک را خلیفه بحق دانسته از سب و در نفس مختار باشند

و خطبای کرام و نقباء عظام در رؤوس منابر اسامی سامی و منسوب

خلیفای رابعه کرام را نه کور و جاری ساخته و در تحریر و قلم بر نام ایشان

بخیر باد و شاد نمایند و قدیمی فتاوی خلاصه القصد اکرام میرزا محمد

نایب الصداره ممالک مورد سه را با قضا ممالک خاقانی روانه فرمایم

که مضامین حکم مایوس را به کلی دور و نزدیک اندر ایشان نیز

سبح قول احسان نموده تخلص از به نزل آنرا موجب عذاب الهی

و تخلص شافعی دانند



روزی که از راه رسیدیم به نجف اشرف گریه و چوین جانم از

فقر و غنا و سران و تنان در گشتن و در آمدن و در آمدن

سایه ای مانده بود و تمام است آنکه منت می بینم و در

آنجا و به سبب عدم در پی شعله و نزع از میان است خفت

فیرال نام بود و علمای نجف اشرف و کارهای معنی جسته و بجا

را و مختار نمودند و در آنجا ماندند و به سبب آنکه اگر در

منا و ششک با یکدیگر گفتگو کرده مادر مدیریت را از میان برداشته

در نزدیکی راهی و در آنجا به سبب آنکه به سبب آنکه در

در نزدیکی راهی و در آنجا به سبب آنکه به سبب آنکه در



نمایانست برزخانی مختار بحسب محسوسات و احوالات و مقتضای قیاس

و چنین بر آنست که در این باب بحثها و نظرات در دو قسم می‌گردد

۱- بحث در اینست که در این فضا چه چیزها است

۲- بحث در اینست که اینها را چه می‌گویند

این دو دسته را که در دو قسم فرموده‌ام و در این مختصر است تبیین که خواهد شد

پنج مطلب که سابقا اشاره کرده بودم

مطلب اول در اینست که اینها را چه می‌گویند

مطلب دوم در اینست که اینها را چه می‌گویند

که در این باب بحثها و نظرات در دو قسم می‌گردد

۱- بحث در اینست که در این فضا چه چیزها است



مطلب دوم آنکه چون در کتب معتبره از کتب اربعه بعد از محمد صلی الله علیه و آله

مذاهب اربعه تعلق دارد آنکه مذاهب چهارگانه را در کتب

با ائمه شافعی شافعی برای نزدیکان این مذاهب یکدیگر نزدیک

باشند که بعد از ایشان با امام خود نماز که از آن

مطلب سیم آنکه هر ساله از طرف ایران امیر حاجی معین شده که با

امیر حاج محمد شام حاج ایران را مقصد رساند در مکان عزت و احترام

مطلب چهارم آنکه اسرای و مملکت نزد هر کس باشند آنرا

کرده و مع و شر را بر آنجا رساند

مطلب پنجم آنکه وکیل از دولتین در پای تخت که گزیده شود

مملکتین را بر وفق مصلحت و میل در میان این دو



اختلاف از میان اهل اسلام بود شش و پنجاه

اِنَّا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ رَسْمِ برادری در میان

اهل روم و ایران مسکوک کرد

و در قه دیگر گذاشته و همان ایران صورت عقیده مسلمانان خود را باین

مضمون گذاشته

که عقیده اسلامیه و اعیان و دوام دولت

قاسمه مادریه و علمای ملک ایران است

که بعد ز وفات حضرت سید المریدین با جماع ارباب علم و عقیده

خداوند را بر علیه اول ابی بکر صدیق رضی الله عنه و بعد از او بنحی

انتخاب بر فاطمه عظمی عمر بن خطاب و بعد از او بکرم شوری



از این امر روشن شود که در این مورد باید احتیاط را رعایت کرد

از این امر روشن شود که در این مورد باید احتیاط را رعایت کرد

راست است این سخن را نیز باید در نظر گرفت که در بعضی موارد

سید المریدین میسر شود و در مواردی که این امر میسر نشود باید احتیاط را رعایت کرد

دولت علیه غایب از حق حقیقت نه هیچ چیزی مورد اذیت

طریقه حضرت امام محمد باقر رضی الله عنه میسر شد و در این مورد

راست است و ثابت و جایزیم در سبب نگاه بر خلاف این عقیده از نظر

برسانند و این امر میسر شد و در این مورد

باید در نظر گرفت که

باید در نظر گرفت که



عقیده و اهل و اعیان و دستگیر غمخواران

بشرف کربلا می معنی چسبند و نقد ادراک

امام جعفر صادق از دربر این چند ای گیرد و مدوح ائم و زواران

از بعد از این سنت مقبول و آری است و از قرائت عید می ایراد

حق تسبیح کرد اند و تیره و اعیان تحقیق رسید است عقاید

رسول می آید از این محو بسبب تیره و تار و تحقیق غمخواران

این سبب و دانست حضرت سید انام عید الله علیه و آله و سلم

چو مستند و مرکب این تیره و تار و تیره و تار و تیره و تار

غلام رسول و پیغمبر و در دنیا محاکمه و در آخرت محاکمه

در دنیا محاکمه و در آخرت محاکمه



عقیده اهل داعیان علمای بخارا و بلخ و خوارزم

اگر عباد صحیحه انالی ایران نبویست که علمای فوق رقوم دست دارند

و این فرقه در شان اهل اسلام و امت حضرت سید الانام میباشند

و کس باین جماعت انمار عداوت دینی کند خارج از دین و کفر

از شفاعت حضرت سید المرسلین بوده در دنیا باز خواست

او با پادشاه با استحقاق و در آخرت با تسانت و علی الاطلاق

خواهد بود و خست فانی که مقتدرین صورت را در دنیا دعوات

با ائمه اربعه مذموب میباشد مافی و منقیر اسلام نیست و

اصحاب این اعتقاد از اهل اسلام میباشند و نسب و سرور یقین

که مسلمان و امت محمدیه و بر دینی اند بر یکدیگر هم است

و این نوشته را روانه اسلامبول نمودند

عقیده اسلامی نویسنده این رساله شریفه این است

که اید و ز بر مسلمان حساسی در که کوشش از دشمنان و فریاد و

غریبان و واقفیت ناصراة اسلام را کوشش جان استقامت

و با چشم دل حالت کزنی افرد مسلمین را مشاهده میکند که در محله

نزدیک خانی میخانه و حصار بدشمنی گردیده و بنجه اینک اجرای احکام قرآن

محمد را بر پشت انداخته و بر عیاف مقرر و چون که حاضر میشوند

بچه خشم معده از آیه دافنی آیه خیر میباید علیهم السلام که

و آنکه در آن گردیده و بدینجه دشمنان را بانباشته اند

واجب و لازم دانسته اند و یوری تراست که با نهایت



بر عین امر و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال

و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال

و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال

و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال

و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال

و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال

و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال

و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال

و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال

و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال و نه بر عین کمال

و اما فراموشی و غفلت را باید که باهنگامی باشد تا این که بعد از مستقیم

بماند. البته در اندک مدتی طرق مختلفه و اختصار کلمه را

کنار گذاشته و در بعضی طرق و حدود را مطابق برای این عجله اتخاذ

نموده و در وقت فراغت و به نحوی که مافی تمام احوال

آسوده شده و در بعضی طرق و حدود و کلمات را پیش خود خواهند

ساخت کما قال المولوی المصنوع علی الرحمة

فمن کل که تا اندک است و بسیار کند و رانده و دست

مستقیم است و در بعضی طرق و در بعضی طرق و در بعضی طرق

و این که اولاً باعث ایجاد اشکال و فهمیدن فریقین اسلام و دانی

و بعد از این که در بعضی طرق و در بعضی طرق و در بعضی طرق



برای تو هم هیچ مال و نه جوانی و نه غیره نماند و نه زنده

و جور بود و مرگ و در این جهان شدت شدادت بود و محض

ایزدانی بدایه و در تحسین الدین قتلوانی سبیل الله

اَمْوَالُكُمْ اَمْوَالُكُمْ اَمْوَالُكُمْ اَمْوَالُكُمْ اَمْوَالُكُمْ

بما انا هم الله من قسطنطین و آن خواب کرده و مفود این

آیه شریفه شام حال او خواهد بود

خرم از دگر گیر منتهی از این بر این دست با این طبع از این طبع

ما به نور سبب است که در این است میگویم که در این است

نور زمین و در این است که در این است که در این است

بدان و در این است که در این است که در این است

بسم الله الرحمن الرحيم

محمد است برگزیده و نه حریت پنا آید است به طایفه شیخ با دی بکرم آید و بی طایفه

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد از حمد و ثناء بر خدای تعالی و تسبیح و تحمید و تهنیت بر سران عالم

و دعای انتقام و عسکری و کلام صاحب حیات تازه و بی الواف

ترتیب و منتهی این رساله شریفه و در کتب معتبره و در علم و دهری

است و حجب تقدیس مقدسین فریاد و شکر است و خداوند عالم

امثال ایشان را در عالم علما و در این محک مخصوصا زیاده فرماید

نفع الله از عتبه و شکر خداوند ایشان و در رساله حقیقه عالم

سودمند است بگویم اندامیت را روح تازه دهند و حیاطت بدارند



تجارت دست و پا کردن و غیره است و این را از خود بخت

بیدار نماید و هر روز یکانه چیزی که بخت ترقی مسلمانان عالم و مسلمانان

این خصلت بسیار باشد اتحاد حق و یکا نمی مغفول بماند بگردد است

چه که چیزی که باعث خسران و تباهی مسلمین خصلت است و این را بدیده و ندیده

اختلاف گفته است من بعد ما تسبیح لکم حق تعالی

در واقع اگر آنکه مرحوم مغفوره در کتاب و تالیفاتش می شده بود است

اسلام خصلت است و این را در ترقی و تعالی اول است بود و علم

هر حال پس خود را از اسلام واجب لازم است که درونی

و اتفاق گوئی را از ما بین و این است و این است و اتفاق

فرایند و این است و این است و این است و این است و این است

عمل فرمود و خود را درین منزل رسانید و او را در واقعیه انعمه علیهم السلام  
 از کسبم انعام و امانت من فرمود که کسبم علی  
 شایسته من انما رمانتم کم منها که یک سینه است  
 کلمه امانت علیهم السلام و در این سوره  
 و لا تلووا کما تلو الذین افرقوا و اختلعت من بعد ما حاکم  
 التبینات و اولیک لهم عذاب عظیم  
 تری خارج نماید تا بین سید آب رفیع بجویان کرد و مسلمانان را  
 بچل و قوت بیاورد و در مقاصد قرآنیه و سنت نبویه  
 بر خیزد و تالیف و رای و بیایب و ارباب تعالیه کرده  
 آمد لولایت شریف و انصاف و کثرت و وفای و کرم و کرد







و صاحب جمیع البیان و غیر هم من اصحاب ائمه است التفسیر و التمهید

حتی توفیق صدق تعالیست پس خوب است تا ترک این عبادت

رویه که ناشی دهاکی از اخلاق حسیه است در خلاف سیره قدما

اصحاب بوده کنیم تا کمیده های قفسانیه از قلوب پرورن رفته

و جهلوات حق اسلامیه ظاهر و هویدا گردد اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ

الْاِسْلَامُ وَ مَا اخْلَفَ الدِّينَ اَوْ تَوَالِفَ التَّائِبَاتِ الْاَمْسَ بَعْدَ

مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ نَفْسًا مِّنْهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ يَأْتِ السَّعِيرُ فَانِ اللَّهُ

سَرَّعَ الْحِسَابَ و این تعالیه مستعد عاقلان مشافات با تعجیه

کنونه ضمیر هر کسی که خود را محقق در عتباته بداند مصیبتا کار او محظوظ

نماید و بطوریکه معمول را مورد ائمه هدایه اسلام الله علیه و آله و سلم



که صاحب مقدس ایشان از آلائش این طریقه شکر و سپاس و حمد و ثناء

و پاک بوده تا کم بعد از ترک این قبیل عمل فایده از دست او می درخت

عمل شایع بعضی هرگاه توفیق رفیق شده و ابر سعادت سایه افکند

بجای سلامت و خیر و نجات و ثواب مقدمات مستعد

بی خواهند برد و مَنْ لَمْ يَحْمِلِ اللَّهَ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ

و مَنْ يُصِلِ اللَّهَ فَلَإِ دِي لَهُ وَ مَنْ يُهِنِ اللَّهَ

فَمَا لَهُ مِنْ كَرَمٍ وَ سَأَلَ اللَّهَ زِيَادَةً لِنُورِهِ لَمْ يَزِدْهُ

الطَّرِيقَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الَّذِينَ الْقَوْمُ وَ تَحْمِلُ السَّاعَةَ

وَالرَّادِلَ أَرِ الْغَنَمَ مِنْهُ وَ كَرَمَهُ إِنَّهُ دَوَّ الْقَصَصِ الْعَظِيمِ

و السلام علی من ابیاح الهدی شمس سوال المکرّم علی









( فاعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا )



# راہِ نجات ملت

خلاصہ اقدامات نادر شاہ افشار

راجع بمشورہ شہنشاہ فریقین اسلام

قیمت دہ شاہی

مطبعہ د کلیمیان و طہران